

Determinant in Russian Language

Shahram Hemmatzadeh*

Abstract

One of the important issues that linguists have paid attention to is adverbs in languages. Russian, as a branch of the Indo-European languages, is no exception in this regard. A special interest in this category in Russian was formed after Shviedova's article on "determinants", which caused a great deal of disagreements and controversies. In this paper, using a library resource analysis method and matching samples taken from sources, a new categorization of determinants is proposed emphasizing on whether the adverb binds up the verb or the sentence. To this end, we first refer to Shviedova's view on the division of the internal elements of sentence and, using Shviedova's definitions in distinguishing verb adverb and determinant in Russian, some semantic and syntactic criteria are introduced. Examination of the samples taken from the sources show that the determinant is semantically divided into two categories of subject-object determinant and adverbial complement determinant. In addition to lexical forms, subordinate clauses that are identified as dividable sentences, can play the role of determinant since they do not depend on the main clauses.

Keywords: Determinant, Compound word, Compound sentence, Adverbial complement, Subordinate clauses.

* Assistant Professor, Department of Russian Language, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran,
sh_hematzadeh@sbu.ac.ir

Date received: 17/05/2021, Date of acceptance: 12/06/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

قیدجمله در زبان روسی

شهرام همت زاده*

چکیده

یکی از موضوعاتی که زبان‌شناسان بدان توجه داشته‌اند، قید در زبان است. زبان روسی نیز به عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی از این امر مستثنی نیست. نگاه ویژه زبان‌شناسان به این مقوله در زبان روسی، پس از مقاله شیویداوا درباره‌ی «قیدجمله» (детерминант) شکل گرفت و اختلاف آراء و مباحث زیادی را برانگیخت. در این مقاله با استفاده از روش تحلیل منابع کتابخانه‌ای و تطبیق نمونه‌های اخذ شده از منابع، تقسیم‌بندی جدیدی از مقوله‌ی قیدجمله ارائه شد با تکیه بر این موضوع که آیا فعل یا جمله را مقید می‌سازد یا خیر؟ بدین منظور، نخست به دیدگاه شیویودوا درباره تقسیم‌بندی عنصرهای درون جمله اشاره و با استفاده از تعاریف وی برای تمایز قید فعل و قید جمله در روسی، برخی ملاک‌های معنایی و نحوی معرفی شدند. بررسی نمونه‌های اخذ شده از منابع به این امر منتج شد که قیدجمله از لحاظ معنایی به دو دسته قیدهای جمله فاعلی-مفعولی و قیدهای جمله متمم قیدی تقسیم‌بندی می‌شوند. افزون بر صورت‌های واژگانی، جملات پیرویی که به عنوان جملات تجزیه‌پذیر مشخص شده‌اند، به دلیل آنکه وابستگی به جمله پایه ندارند، می‌توانند نقش قیدجمله را ایفا کنند.

کلیدواژه‌ها: قیدجمله، ترکیب‌واژه، جمله مرکب، متمم قیدی، جمله پیرو

* استادیار گروه زبان روسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، sh_hematzadeh@sbu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

۱. مقدمه

قید در زبان یکی از موضوعات مورد توجه زبان‌شناسان بوده است و زبان روسی نیز به عنوان یکی از شاخه‌های زبان‌های هند و اروپایی از این امر مستثنی نیست. قید یکی از قدیمی‌ترین اجزای کلام در تقسیم‌بندی کلمه‌ها است. بسیاری از دستورنویسان آن را کلمه‌ای تعریف کرده‌اند که «مفهوم فعل یا صفت یا کلمه‌ای دیگر را به چیزی مانند زمان، مکان، حالت و چه‌گونگی مقید می‌سازد.» (قریب و دیگران ۱۳۶۸: ۱۸۹). ولی قیدهایی در جمله وجود دارند که فقط به یک عضو اصلی یا فرعی جمله مربوط نمی‌شوند بلکه کل جمله را دربرمی‌گیرند که به آن اصطلاحاً «قیدجمله» نام نهاده‌اند. نگاه ویژه زبان‌شناسان به این مقوله در زبان روسی، پس از مقاله شیویداوا در خصوص قیدجمله شکل گرفت و اختلاف آراء و مباحث زیادی را برانگیخت. (Шведова, 1960: 98) در این مقاله در نظر است تا با استفاده از روش تحلیل منابع کتابخانه‌ای و تطبیق نمونه‌های اخذ شده از منابع، تقسیم‌بندی جدیدی از مقوله‌ی قیدجمله ارائه شود، و بر این اساس سوال‌های زیر مطرح است:

آیا قید می‌تواند کل جمله را دربرگیرد و یا اینکه همیشه به فعل مربوط می‌شود؟

وجه تمایز قیدی که به کل جمله مربوط می‌شوند با سایر قیدها چیست؟

فرضیه‌های متناظر به سوالات به این شرح است:

فرضیه متناظر با سوال اول: برخی از قیدها می‌توانند کل جمله را دربرگیرند.

فرضیه متناظر با سوال دوم: برخی از قیدها در شرایط خاص با توجه به چگونگی قرارگیری درجمله می‌توانند به کل جمله مربوط شوند و همین امر وجه تمایز آنها از سایر قیدهاست.

۲. پیشینه تحقیق

شیویدوا اولین کسی بود که در زبان روسی قیدجمله را بازشناخت. او در مقاله‌ای که در سال ۱۹۶۴ منتشر کرد اشاره کرد که در ساختار جملات گسترده، واژگان و یا ترکیب‌واژگانی مشاهده می‌شوند که به کل جمله مربوط می‌شوند. این واژگان یا ترکیب‌واژگان در ظاهر قید هستند ولی بر خلاف قیدهای معمول در زبان که به فعل مربوط می‌شوند، به کل جمله مربوط می‌شوند (Шведова, 1964: 182). البته لازم به ذکر است که

پیش از او زبان‌شناس بزرگ روس ویناگرادوف در اواسط قرن بیستم بدون اینکه از «قیدجمله» نامی ببرد، به همین موضوع پی برده و در سال ۱۹۴۷ در کتابی درخصوص دستور زبان روسی اشاره کرده بود که در جملات گسترده، برخی اعضای فرعی وجود دارند که می‌توانند غیرمستقیم با ترکیب واژه نهادی یا با ترکیب واژه‌ای گزاره‌ای مرتبط شوند (Виноградов, 1947: 190). شاید بتوان گفت که استیپانوا در سال ۱۹۶۳ نیز تاحدودی به این موضوع اشاره کرده بود ولی به این دلیل که او به وجود چنین عناصری در زبان انگلیسی اشاره کرده بود نمی‌توان او را پیشروی چنین موضوعی در زبان روسی دانست (73: 1963: Степанова). هرچند او از عبارت «قیدجمله» استفاده کرده بود. همچنین زبان‌شناسانی همچون واستاکوف، داباش و حتی شربا نیز به چنین نکته‌ای اشاره کرده بودند، ولی این شیویداوا بود که برای اولین بار از چنین اصطلاحی برای چنین قیدهایی در زبان روسی استفاده کرد.

در زبان فارسی نیز دکتر محمد راسخ مهندس در مقاله‌ای تحت عنوان «قیدجمله و قیدفعل در زبان فارسی» به توصیف این مقوله پرداخته و با توجه به دیدگاه متیوز (Mathews, 1981) درباره‌ی تقسیم‌بندی عنصرهای درون جمله و با استفاده از الگوی وی برای تمایز قید فعل و قید جمله در فارسی برخی ملاک‌های معنایی و نحوی را در این خصوص تعریف و معرفی کرده است.

۳. چارچوب نظری

قیدجمله در زبان روسی برای اولین بار توسط شیویودوا شناخته و تحلیل شد، اما باید اشاره کرد که ویژگی‌های آن در جملات و به «استقلال» در خصوص سایر کلمات (عدم وجود روابط شکلی و مفهومی با سایر کلمات و مرتبط بودن با کل جمله) و استقلال آنها در بیان نسبت‌های مشخص نحوی مدت‌ها بود که توجه زبان‌شناسان را به خود جلب کرده بود (88: 1973: Рословец). آنان در پژوهش‌هایشان به این مورد اشاره کرده‌اند که به نظر می‌رسد، بسیاری از شکل‌های واژگان و گروه‌های حرف اضافه‌ای، ارتباط «هدایت نحوی حاکمیت ضعیف» یا «همنشینی» را از دست داده و به گونه‌ای به کل جمله مرتبط گشته‌اند (150: 80-Грамматика). ولی این شیویودوا بود که توسط مبانی علمی و نوینی را برای توضیح این پدیده ارائه کند.

استیپانوا نیز در این باره می‌نویسد: «متمم‌های قیدی، به جز متمم‌های قیدی کیفیت و اندازه و همچنین چگونگی انجام عمل، قاعدتا به کل جمله مربوط می‌شوند ولی مفعول، معمولاً، فقط به فعل مربوط می‌شود» (Степанова, 1963: 73) و در ادامه وی از چنین متمم‌هایی با عنوان «قیدجمله» نام می‌برد. همچنین زبان‌شناسانی همچون واستاکوف، دابیش و حتی شربا نیز به چنین نکته‌ای اشاره کرده بودند، ولی این شیویداوا بود که برای اولین بار از چنین اصطلاحی استفاده کرد.

شیویداوا به این موضوع پرداخته بود که در ساختار جملات گسترده، می‌توان از واژگان و یا ترکیباتی بهره برد که به کل جمله (یا به قسمت خبری آن) مربوط می‌شوند (Шведова, 1964: 182). در اواسط قرن بیستم ویناگرادوف ذکر کرد که در جملات گسترده، برخی اعضای فرعی وجود دارند که می‌توانند غیرمستقیم با ترکیب واژه نهادی یا با ترکیب واژه‌ای گزاره‌ای مرتبط شوند (Виноградов, 1947: 190). به نظر وی چنین اعضای فرعی، متمم‌های قیدی زمان، مکان، دلیل، هدف و استدراک هستند که می‌توانند به‌طور مستقیم به سایر قسمت‌های جمله به‌طور کلی مربوط شوند. اعضای فرعی که به کل جمله مربوط می‌شوند، مولفه‌ای از ترکیب‌واژه داخل جمله نیستند (Грамматика-60: 522).

بدین منظور، نخست به دیدگاه شیویداوا درباره تقسیم‌بندی عنصرهای درون جمله اشاره خواهد شد و با استفاده از تعاریف وی برای تمایز قید فعل و قید جمله در روسی، برخی ملاک‌های معنایی و نحوی ارائه خواهند شد.

۴. کارکرد قیدجمله

به هنگام بررسی قیدجمله، مسئله اصلی شناخت ویژگی‌های اصلی و همچنین طبقه‌بندی آن است. از اصلی‌ترین ویژگی‌های قیدجمله می‌توان به این نکته اشاره کرد که قیدجمله عضو فرعی جمله بوده و به کل جمله مربوط شده و جداگانه، با هیچ کدام از اعضای آن مرتبط نیست (Грамматика-70: 624). قیدجمله، ظروف و مفعول‌هایی هستند که می‌توانند به تمام جمله مربوط شده و جمله را کامل تعیین کنند و نه اینکه یکی از اعضای اصلی جمله را مشخص کنند. شیویداوا در مقاله خود درباره قیدهای جمله آورده که آنها می‌توانند به شکل یکی از مولفه‌های ترکیب‌واژه تکیه کنند، ولی دارای شکل ویژه خود هستند که عضو جداشونده بوده و در ظاهر با جمله ارتباط نداشته و امکانات ترکیب با یکدیگر را دارا

قیدجمله در زبان روسی (شهرام همت زاده) ۳۴۳

هستند. قیدجمله عضو جداشونده بوده و در ساختار اصلی جمله قرار نمی‌گیرد (Шведова, 1964: 182).

برای نمونه به جمله زیر توجه کنید:

Вопреки своему желанию я поехал в Саратов.

(علی‌رغم میل من به ساراتوف رفتم)

Несмотря на трудный экзамен, Саша сдал его на отлично.

(با وجود امتحان سخت، ساشا با موفقیت آن را پشت سر گذاشت)

در جملات بالا *вопреки своему желанию* و *несмотря на трудный экзамен* هیچ ترکیب‌واژه‌ای نشده و به کل جمله مربوط می‌شوند.

۱.۴ ملاک‌های تمایز قیدجمله از قیدفعل

برای تمایز قیدجمله از قیدفعل باید دو نوع «ملاک معنایی» و «ملاک نحوی» را در نظر گرفت. (راسخ مهند، ۱۳۸۲: ۵۶) اگر بخواهیم با مثالی در زبان فارسی این «ملاک معنایی» را بیان کنیم می‌توانیم به جمله‌ی زیر اشاره کنیم:

با وجود مخالفت برادر، من کتاب را مخفیانه برداشتم.

در این جمله «کتاب» مفعول صریح است و واژه‌ی «مخفیانه» قید فعل است زیرا نبود آن در جمله باعث ایجاد تمایز معنایی قابل ملاحظه‌ای می‌شود. در واقع بین دو جمله «کتاب را برداشتم» و «کتاب را مخفیانه برداشتم» تفاوت معنایی آشکاری وجود دارد. از این رو واژه‌ی «مخفیانه» قید فعل محسوب می‌شود چراکه در معنای فعل دخالت دارد. ولی عبارت «با وجود مخالفت برادر»، از آنجا که به کل جمله مربوط می‌شود، «قیدجمله» است. می‌توان گفت تمامی متمم‌های قیدی‌ای که دارای معنای استدراک هستند، «قیدجمله» هستند زیرا معنای کل جمله را تغییر می‌دهند و به کل جمله مربوط می‌شوند و نه به عنصری خاص.

استیپانوا در این باره می‌نویسد: «متمم‌های قیدی به استثنای متمم‌های قیدی کیفی و کمی، علی‌القاعده به کل جمله مربوط می‌شوند ولی متمم‌های قیدی کیفی و کمی معمولاً فقط به فعل مربوط می‌شوند. مفعول‌ها نیز تقریباً همیشه فقط به فعل مربوط می‌شوند» (Stepanova, 1963: 73). یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های قیدهای جمله، نبود رابطه‌ی دستوری بین قیدجمله و فعل است (Шведова, 1968: 191). برای نمونه به جملات زیر دقت کنید:

В воде (а не куда? – в воду) опрокинулись освещенные оранжевым солнцем далекие вершины;

(قله های دور دست زیر نور نارنجی رنگ خورشید در آب منعکس شده بودند.)

В Москву (а не где? – в Москве) ожидается приезд команд США и Финляндии.

(مسکو در انتظار ورود تیم‌هایی از ایالات متحده آمریکا و فنلاند است)

نمونه‌های پیش گفته بیانگر آن است که ارتباط مستقیمی بین فعل و گروه حرف اضافه‌ای وجود ندارد. از مشخصه‌های متمم قیدی آن است که باید ارتباط دستوری بین متمم با فعل وجود داشته باشد. ولی قید جمله، الزاما با کلمه‌ای که در ساختار جمله وجود دارد مرتبط نیست (همان). جملات زیر را مقایسه کنید:

В первом действии плательница бледнеет и краснеет. Во втором действии – закрыв лицо руками, бежит по этажам в поисках недостающей трешинцы. В третьем действии платит.

(در ابتدا، خریدار رنگش می‌پرد و از خجالت سرخ می‌شود. در مرحله بعد صورتش را با دستانش می‌پوشاند و در جستجوی اسکناس سه روبلی گم شده‌اش شروع به دویدن در طبقات (فروشگاه) می‌کند و در نهایت پولش را می‌پردازد.)

برای ترکیبات حرف اضافه‌ای جملات روسی بالا یعنی *во* ، *в первом действии* و *в третьем действии* و *во втором действии* می‌توان ارتباطی بین آنها و افعال بسیار زیاد و با معانی گوناگون را متصور شد به عبارت دیگر در جملات ذکر شده فوق، ساختارهای حرف اضافه‌ای بصورت نظام‌مند با افعال مرتبط نیستند، بلکه به کل جمله مربوط بوده و قید جمله محسوب می‌شوند، اما در متمم قیدی، ارتباط نظام‌مند بین ترکیبات حرف اضافه‌ای و فعل باید حتما وجود داشته باشد:

В центре живет мой хороший знакомый.

(دوست خوب من در مرکز زندگی می‌کند.)

در این جمله بین *жить* و *в центре* ارتباط نظام‌مندی وجود دارد به گونه‌ای که اگر متمم قیدی (*в центре*) حذف شود، معنای جمله به طور کامل تغییر کرده و معنایی متفاوت پیدا خواهد کرد. یعنی اینکه وجود ارتباط نظام‌مند بین همین متمم قیدی است که به فعل (*жить*) معنا می‌دهد.

در واقع، علاوه بر «ملاک معنایی» باید «ملاک نحوی» هم برای تمایز قیدفعلی از قیدجمله مد نظر قرار گیرد. راسخ مهند برای این منظور، چند ملاک نحوی را برای بازشناسایی قیدجمله از قید فعلی بر اساس الگوی متیوز بیان می‌کند: **ملاک اول** را می‌توان در ساخت همپایه جستجو کرد. یعنی اینکه می‌توان دو قید فعل را در ساخت همپایه قرار داد اما نمی‌توان قید فعل را با قید جمله در این ساخت قرار داد (راسخ مهند، همان). به مثال‌های زیر دقت کنید:

الف) او مشق‌هایش را آرام و خوش‌خط نوشت.

ب) او مشق‌هایش را بدبختانه و خوش‌خط نوشت.

در جمله‌ی (الف)، واژه‌ی «آرام» قید فعل است و به همین دلیل می‌تواند در کنار قید «خوش‌خط» قرار گیرد ولی در جمله‌ی (ب) واژه‌ی بدبختانه قیدجمله است و به همین دلیل نمی‌تواند در کنار قید «خوش‌خط» بنشیند. این معیار نشان می‌دهد که این دو نوع قید دارای ویژگی‌های متفاوتی هستند و به همین دلیل نمی‌توان آن‌ها را در ساختی همپایه قرار داد (همان).

ملاک نحوی دوم که راسخ مهند بدان اشاره می‌کند مربوط به استفاده از ترکیب قید+مصدر به جای اسم می‌شود. او در این خصوص می‌نویسد: «می‌دانیم که اگر "تصادف کردن" را مصدر فعل مرکب در نظر بگیریم، می‌توانیم آن را به صورت اسم به کار ببریم (جمله‌ی ج)) (البته در مورد فعل‌های ساده نیز چنین است). به همین ترتیب می‌توان ترکیب "قید فعل + مصدر" را به جای اسم به کار ببریم. به عنوان مثال "آهسته رفتن" را در جمله (د) به جای اسم به کار برده‌ایم. اما نمی‌توان ترکیب "قید جمله+مصدر" را به جای اسم به کار برد (جمله ه)

ج) تصادف کردن احمد ما را ناراحت کرد.

د) آهسته رفتن در بزرگراه خوب نیست.

ه) دیروز رفتن در بزرگراه خوب نیست. (همان)

و اما **ملاک نحوی سوم** که راسخ مهند در خصوص تمایز قیدجمله از قیدفعلی برمی‌شمارد، آزادی جابه‌جایی قیدجمله در یک جمله است. یعنی اینکه قیدجمله می‌تواند بدون محدودیت چندانی در جایگاه‌های مختلف جمله حضور یابد. به عنوان مثال قیدجمله «خوشبختانه» در سه جمله زیر می‌تواند در تمام جمله آزادانه جابجا شود. بدون اینکه به معنای اصلی جمله لطمه‌ای وارد شود:

تمام تکالیفم را خوشبختانه نوشتم.

تمام تکالیم را نوشتم خوشبختانه.

خوشبختانه تمام تکالیم را نوشتم.

ولی قید فعل این آزادی عمل را ندارد و هرچه به فعل نزدیک‌تر باشد، جمله پذیرفته‌شدنی‌تر می‌شود. (همان)

گرچه به نظر می‌رسد قیدجمله در زبان فارسی موضوعی جدید است و هنوز آنچنان که باید و شاید به آن در زبان فارسی پرداخته نشده و درباره‌ی آن سوالات و مسائل زیادی مطرح است ولی در نحو امروزی زبان روسی، شکی در شناخت قیود جمله به‌عنوان یک مقوله نحوی خاص در سطح جمله وجود ندارد. این اعضای جمله با مرکز اصلی جمله یعنی با نهاد و گزاره یا با عضو اصلی جملات تکررکنی، مرتبط هستند و مشروط به شکل گرامری یا معنای لغوی جمله نیستند (Акимова, 1990: 143) بلکه مبانی ساختاری و معنایی آن را کلی بیان می‌کنند (مبنای ساختاری و معنایی جمله را، اعضای اصلی آن (نهاد و گزاره) و اعضای فرعی حتمی جمله تعیین می‌کنند (Рословец, 1973:90). علاوه بر این، قیدجمله نیز بصورت آزادانه با جمله مرتبط می‌شود (Золотова, 2003: 31). برای نمونه:

С молодости Владимир интересовался музыкой.

(از جوانی ولادیمیر به موسیقی علاقه داشت)

Нет у тебя ни карандаша, ни ручки, даже ни книги.

(تو نه مدادی داری و نه خودکاری. حتی کتاب هم نداری)

۲.۴ انواع قیدجمله

در باب دسته‌بندی قیدهای جمله، باید اشاره کرد که بر اساس شرکت قیود جمله در شکل‌گیری ساختار معنایی جمله، زبان‌شناسان روس از جمله شیویوداوا قیدهای جمله را به قیدهای جمله فاعلی-مفعولی و قیدهای جمله متمم قیدی تقسیم بندی می‌کنند (Грамматика-80: 153).

۱.۲.۴ قیدهای جمله فاعلی-مفعولی (субъекто-объектные детерминанты)

قیدهای جمله‌ای هستند که ایجادکننده مولفه‌های معنایی اصلی (فاعل و مفعول) و همچنین مولفه‌هایی هستند که در برگیرنده این معانی‌اند. برای نمونه:

قیدجمله در زبان روسی (شهرام همت زاده) ۳۴۷

У них везде есть проблемы.

(آنها در هرجایی مشکلاتی دارند)

Нам совсем не жалко было Виктора, но он тоже не давал никакого значения этому.

(ما به هیچ وجه برای ویکتور متأسف نبودیم و او همه هیچ اهمیتی به این موضوع نمی داد)

۲.۲.۴ قیدهای جمله متمم قیدی

قیدهای جمله‌ای که ایجادکننده مولفه‌های معنایی غیر اصلی (یعنی انواع ظروف) هستند را قیدهای جمله متمم قیدی (обстоятельственные детерминанты) می‌نامند. برای نمونه:

В тридцать седьмом году началась сталинская репрессия в России.

(در سال ۱۹۳۷ تسویه حساب استالینی در روسیه آغاز شد)

На войне немцы бомбардировали весь город.

(در جنگ آلمانی‌ها تمام شهر را بمباران کردند)

قیدهای جمله متمم قیدی توسط قیود، شکل‌های مختلف حالت‌های دستوری فرعی با حروف اضافه یا بدون آنها، قید فعلی و کلماتی همچون *как* و *словно* بیان می‌شوند.

По всему лесу раздаются голоса;

(در تمام جنگل صدایی می‌پیچد.)

За окном стемнело;

(بیرون هوا تاریک شده بود.)

Вечером добрались до озера;

(شب بود که به دریاچه رسیدیم.)

До войны он был плотник;

(پیش از جنگ او نجار بود.)

По окончании университета он уехал в Сибирь;

(به محض اتمام دانشگاه او به سیبری رفت.)

От испуга ребенок не мог говорить;

(بیچه از ترس نمی توانست حرف بزند.)

При всех его достоинствах он мне не нравится.

(با وجود تمام شایستگی‌هایی که دارد، من از او خوشم نمی آید.)

شیویداوا از لحاظ معنایی، قیدهای جمله متمم قیدی را به انواع زیر تقسیم می کند:
مکانی:

У нас сейчас белые ночи; Повсюду флаги;

(الان شب‌های سفید ماست.); (همه جا پرچم است.)

زمانی:

Первого мая будет парад; Из года в год строятся новые школы;

(اول ماه می، رژه برگزار خواهد شد.); (همه‌ساله مدارس جدیدی ساخته می‌شوند.)

دلیل:

От стыда не мог глаз поднять; это обычный класс, поэтому я о нем пишу

(از خجالت نمی توانست سرش را بلند کند.); (این کلاسی معمولی بود و به همین دلیل

من از آن می نویسم.)

هدف:

*Для верности еще раз повернул ключ в замке; под наблюдением врача можно
продолжать эксперимент*

(برای اطمینان یک بار دیگر کلید را داخل قفل چرخاند.); (تحت نظارت پزشک می

شود آزمایش را ادامه داد.)

چگونگی انجام عمل:

Путем подкупа дельцы избежали контроля

(کارکنان با رشوه از کنترل فرار می کردند.)

با معنای تطابق یا عدم تطابق:

Согласно программе объем товарооборота возрастает;

(طبق برنامه، حجم گردش کالا رو به افزایش است.)

با معنای شامل بودن یا نبودن:

В числе первых мы поставили свою подпись под договором;

(ما از اولین نفراتی بودیم که زیر قرارداد را امضا کردیم.)

با معنای محدودیت، مشخص نمودن متمم همراه.

В первом цехе он получил почетное звание ударника. (Шведова, 1964: 185-195)

(در کارگاه اول، او لقب ضربه‌زن را به دست آورد.)

در خاتمه و نتیجه‌گیری بند ۵.۲.۲ باید ذکر کرد که قیدهای جمله فاعلی-مفعولی به همراه اعضای اصلی جمله، ساختار معنایی اصلی را ایجاد می‌کنند ولی قیدهای جمله متمم قیدی، خبر جمله را با قید متممی مرتبط می‌کنند که به همراه آن است و آن را در برگرفته و گسترده می‌سازند. از منظر خبری، نقش قیدهای جمله متمم قیدی می‌تواند بسیار مهمتر باشد اما آنها مولفه‌های اصلی ساختار معنایی جمله را ایجاد نمی‌کنند (Roslovec, 1973:150).

قیدهای جمله فاعلی-مفعولی (غیرمتمم قیدی) مولفه‌های اصلی معنای جمله (فاعل و مفعول) و همچنین مولفه‌هایی را ایجاد می‌کنند که در برگیرنده این معانی با یکدیگر یا با انواع مختلف معانی متممی هستند (Грамматика-80: 150). چنین قیدهای جمله‌ای توسط ضمیر، اسم در حالات‌های دستوری فرعی با حروف اضافه یا بدون آنها و همچنین توسط قیدها بیان می‌شوند.

قیدهای جمله متممی، مولفه‌های اصلی ساختار معنایی جمله را ایجاد نمی‌کنند، بلکه توسط ظروف مختلف بیان می‌شوند و همچنین، چندین متمم مختلف می‌توانند یک قیدجمله ایجاد کنند (همان). قیدهای جمله متمم قیدی بیان‌کننده جمله بطور کلی هستند و مکان، زمان، دلیل، هدف، استدارک و غیره را بطور کلی بیان می‌کنند (Шведова, 1964: 181).

۳.۴ ویژگی‌های دستوری قیدهای جمله

شیویداوا مهم‌ترین ویژگی‌های دستوری قیدهای جمله را بصورت زیر بیان داشته:

الف) عمومی (برای تمامی قیدهای جمله) ب) اختصاصی (فقط برای برخی گروه‌های قیدهای جمله)

ویژگی‌های دستوری عمومی قیدهای جمله عبارتند از:

۱. رابطه نحوی بین قید جمله و جمله بصورت اتصال آزاد است که گاهی می‌تواند رابطه‌ای از نوع حاکمیت یا همنشینی داشته باشد،
۲. قیدجمله از لحاظ وضعیت نحوی، معمولا در ابتدای جمله یا مستقیما در کنار عضو اصلی جمله قرار می‌گیرد (Шведова, 1968: 74):

В кабинете отца висел на стене старый охотничий кинжал;

(خنجر شکار قدیمی ای روی دیوار اتاق پدر آویزان بود.)

Милый хозяин встретил меня в турецком будуарчике;

(میزبان مهربان در اتاقی به سبک ترکیه‌ای به استقبال من آمد.)

۳. قیدهای جمله می‌توانند با انواع ساختارهای مختلف جمله ترکیب شوند:

В городе ожидается приезд гостей;

(در شهر منتظر رسیدن مهمانان هستند.)

В городе масса народу.

(در شهر جمعیت زیادی است.)

۴. بی‌تغییر بودن وضعیت قیدجمله در تمامی شکل‌های جمله (Кошкаревой, 2014: 75).

ویژگی‌های دستوری اختصاصی قیدهای جمله که فقط شامل برخی انواع آنها می‌شود، به شرح زیر هستند:

۱. روابط بین فعل و قیدجمله متمم قیدی نه بر اساس خصوصیات دستوری فعل بلکه بر اساس معنایی بیان می‌شوند که پیش‌بینی‌ناپذیر و اتفاقی هستند. شیویداوا مثال زیر را بیان می‌کند:

В области сказали, что нужно сеять;

(در منطقه گفته شد که باید کشت انجام شود.)

На заводе коммунисты выписали много газет.

(در کارخانه، کمونیست‌ها روزنامه‌های زیادی را مشترک شدند.)

روابط (газеты) (صحف) و (выписать) (گفتن در منطقه) و (сказать) (چگونه) (что-нибудь) (چیز) (в области) (در منطقه) (на заводе) (در کارخانه) از لحاظ دستوری صحیح است. بنابراین در مثال‌های

پیش گفته رابطه نحوی وابستگی کلمات وجود ندارد، بلکه بیان قیدجمله مطرح است (Шведова, 1968: 74).

۲. برای برخی ساختارهای جمله، امکان مترادف بودن بیان قیده‌های جمله متمم قیدی و فاعلی-مفعولی با حفظ همان معنی وجود دارد:

С переходом (после перехода, перейдя) на пятидневную неделю (,) получили больше свободного времени;

(با گذار به هفته کاری پنج روزه، ما زمان آزاد بیشتری به دست آوردیم.)

В комитете / у комитета есть интересная идея;

(در کمیته ایده جالبی وجود دارد.)

малышом / будучи малышом (,) он мечтал о море.

(وقتی کودک بود در آرزوی رفتن به دریا بود.)

۳. برخی قیده‌های جمله متمم قیدی (مکانی، زمانی، دلیل) و همچنین قیده‌های جمله فاعلی-مفعولی می‌توانند با عضوی که در ساختار جمله است، جایگزین شوند. در صورت چنین جایگزینی، ساختار جمله نیز تغییر می‌کند:

На пленуме обсуждались / пленум обсуждал важные вопросы;

С организацией бригад повысилась / организация бригад повысила производительность труда;

В итоге/ итог (:) команда потерпела поражение;

С женщиной обморок/ женщина в обмороке.

۴. برخی قیده‌های جمله متمم قیدی و فاعلی-مفعولی نمی‌توانند در ساختار جمله به واژه‌ای متصل شوند، برای نمونه:

Из всех моих знакомых только он поступил как истинно порядочный человек;

(از میان تمام آشنايانم فقط او اینگونه آدم خوبی رفتار کرد.)

Этому лодырю только он спать.” (Шведова, 1964: 185-195)

(چنین آدم تنبلی باید فقط بخوابد.)

۴.۴ جملات قیدجمله‌ای

لازم به ذکر است که در نقش قیده‌های جمله متممی، نه تنها صورت‌های واژگان، بلکه حتی واحدهای خبری نیز می‌توانند، مطرح باشند. افزون‌بر، شکل‌های دستوری اسم، قید، قیدفعلی و ...، جمله پیرو با معنای متممی نیز می‌تواند نقش قیدجمله را ایفا کند (Грамматика-70: 625). در گرامر ۷۰، چنین جملاتی در بخش «جملات مرکب» تحت عنوان «جملات قیدجمله‌ای» (Детерминантные предложения) بیان شده است (همان: ۷۰۹).

در جملات قیدجمله‌ای، جمله پیرو بطور کلی با جمله پایه مرتبط بوده و همچون قیدجمله متمم قیدی، قسمت غیراجباری جمله محسوب می‌شود (همان):

От стыда и оттого, что ему не удалось сказать ни одного слова, он покраснел; (Фадеев, 1979: 89).

(او از خجالت و از اینکه نتوانست حتی یک حرف هم بزند، سرخ شد.)

Но именно потому, что горе ее было... естественно, она выполняла все...
(там же: 90)

(ولی دقیقاً از آنجایی که غمگین بود... طبیعاً همه چیز را انجام می‌داد...)

ایوانچیکووا درباره اجباری و غیراجباری بودن (اختیاری بودن) جمله پیرو برخی جملات مرکب، اعتقاد دارد که چنین جملاتی به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند: ساختارهایی که از لحاظ ساختاری اجباری (الزامی) هستند و ساختارهای که غیر اجباری و اختیاری هستند (Иваничкова, 1965: 88).

گروه اول شامل جملات مرکبی است که جمله پایه آنها به جمله پیرو جهت تکمیل ساختار جمله نیاز دارد، زیرا بدون آن، جمله پایه قادر به القاء معنای خود نخواهد بود. بلاشاپکاووا چنین جملاتی را جملات مرکب تجزیه‌پذیر (расчлененные сложноподчиненные предложения) نامیده و معتقد است که در این گونه جملات ارتباط بین هر دو بخش (پیرو و پایه) آزاد بوده و دارای خصوصیات زیر هستند:

- جمله پایه معنا و مفهوم کاملی را بیان می‌کند و می‌تواند بدون جمله پیرو نیز وجود داشته باشد؛

قیدجمله در زبان روسی (شهرام همت زاده) ۳۵۳

- روابط بین قسمت‌ها فقط نحوی بوده به گونه‌ای که جمله پیرو وابستگی به ساختار صرفی جمله پایه ندارد (3: 1967: Белошапкова):

Он рассказывал о том, кто ее спас;

(او از اینکه چه کسی آن خانم را نجات داد، تعریف می‌کرد.)

Только успели мы прибыть на место, как вдруг небо осветилось...;

(به محض اینکه به محل رسیدیم، ناگهان آسمان روشن شد...)

Мы стали подниматься вверх среди редких деревьев, чтобы посмотреть еще раз на Оку сверху (так как, хотя, что и др.).

(ما شروع به بالا رفتن از درختان نادر کردیم تا بتوانیم یک بار دیگر از بالا به رود آکا نگاه کنیم.)

گروه دوم شامل جملات مرکبی است که قسمت پایه آنها احتیاجی به جمله پیرو ندارد. جمله پایه کاملاً مستقل بوده و نه از لحاظ دستوری و نه از لحاظ معنایی احتیاج اجباری به هیچ‌گونه کلمه، ترکیب واژه یا جمله‌ای ندارد.

Он зайдет к сестре, когда кончит работу, хотя он очень устал.

(او اگرچه خیلی خسته شده است ولی به محض اینکه کارش تمام شود به خواهرش سری خواهد زد.)

در جملات مرکب تجزیه‌ناپذیر، جمله پیرو به یکی از واژگان جمله پایه وابسته بود و آن را تکمیل یا اینکه آن را مشخص می‌کند و دارای خصوصیات زیر است:

- ارتباط بین جملات پیرو و پایه تنگاتنگ است به گونه‌ای امکان وجود جمله پایه بدون پیرو نیست و در حقیقت جمله پیرو به یکی از کلمات جمله پایه وابستگی دارد:

Я точно знаю, что он пришел.

(من دقیقاً می‌دانم که او رسیده است.)

- روابط بین جملات به صورت صرفی-نحوی است:

Надежда, которая еще теплилась в душе, исчезла;

(امیدی که در درونش تا آن زمان وجود داشت، از بین رفت.)

Он встретил меня так, что я вовек не забуду;

(او به گونه ای از من استقبال کرد که هرگز فراموش نخواهم کرد.)

Утро началось с того, что я опоздал на занятия;

(صبح از آنجایی آغاز شد که من به کلاس‌هایم دیر رسیدم.)

Я люблю весну, когда она приходит рано.

(من وقتی بهار زود فرا می‌رسد، دوستش دارم.)

در گرامر ۸۰ زبان روسی، از این دست جملات پیرویی (جملات پیرو تجزیه‌پذیر) که جایگاه نحوی قیدجمله متممی را اشغال می‌کنند، جملات قیدجمله‌ای (детерминантное предложение) نامیده می‌شوند (Грамматика-80: 539). در جملات قیدجمله‌ای، معنای حرف ربط روابط بین قسمت‌های پایه و پیرو را تعیین و جمله پیرو نسبت به جمله پایه نقش قیدجمله را ایفا می‌کند.

بلاشاپکاو جملات قیدجمله‌ای را از لحاظ معنای حروف اضافه و ترکیبات ممکن جملات پایه و پیرو به موارد زیر تقسیم می‌کند (Белошапкова, 1977: 222):

۱. جملات قیدجمله‌ای دلیل:

Балконы, вероятно, были открыты, потмоу что отчетливо слышались женские голоса;

(احتمالاً بالکن‌ها باز بودند زیرا از آنجا به وضوح صدای زنانی شنیده می‌شد.)

۲. جملات قیدجمله‌ای شرط:

Если ты придешь, то мы пойдем в кино;

(اگر تو بیایی، ما به سینما خواهیم رفت.)

۳. جملات قیدجمله‌ای هدف:

Он пришел еще раз, чтобы уговорить ее остаться;

(او یک بار دیگر آمد تا متقاعدش کند که بماند.)

۴. جملات قیدجمله‌ای استدراک:

Я уговорил Шарко идти берегом, хотя это был длиннейший путь;

(من شارکو را راضی کردم که در طول ساحل بود اگرچه این مسیری طولانی‌تر بود.)

۵. جملات قیدجمله‌ای تعقیبی:

Я лег спать поздно, следовательно проспал;

(من دیر دراز کشیدم بخوابم و در نتیجه خواب ماندم).

۶. جملات قیدجمله‌ای زمانی:

Она обязательно просыпалась, когда он входил в комнату;

(خانم همیشه وقتی آقا وارد اتاق می‌شد، بیدار می‌شد).

۷. جملات قیدجمله‌ای مقایسه‌ای:

Прохожие вдруг заторопились, будто бы их погнало ливень;

(رهگذران ناگهان به سرعت قدم برداشتند طور که گویا بارانی رگباری می‌بارید).

۸. جملات قیدجمله‌ای مطابقت:

Чем гениальнее был поэт, тем в более острой форме болел он этим страхом.

(هرچقدر این نویسنده نابغه بود ولی به همان اندازه بیشتر از این ترس در عذاب‌های

شدیدتر قرار داشت).

بر این اساس می‌توان اینگونه بیان داشت که دامنه معانی جمله پیرو جملات قیدجمله‌ای بسیار گسترده است و در این میان، حروف ربط نقش مهمی را ایفا می‌کنند. به همین دلیل بلاشاپکاوا معتقد است که مهم‌ترین مشخصه جملات قیدجمله‌ای، حرف ربط است و معنای آن تکمیل جمله و دایره ترکیبات ممکن جملات پیرو و پایه را مشخص می‌کند (همان) جمله پیرو قیدجمله‌ای مستقیماً به کل جمله پایه مربوط می‌شود (70-Грамматика: 728).

برخلاف ساختارهای آزاد در نقش قیدجمله، که وضعیت قرارگیری آنها در ابتدای جمله تقریباً همیشگی است، جمله پیرو قیدجمله‌ای، وضعیت ثابتی ندارد و دارای ساختاری منعطف‌تری است (99: 1967: Белошапкова). چنین جملاتی (با معانی زمانی، دلیل، استدارک و غیره) می‌توانند نسبت به جمله پایه در وضعیت قبل، وسط یا حتی بعد از آن قرار گیرند:

Он уехал домой, когда окончил университет.

Когда он окончил университет, он уехал домой.

Он уехал, когда окончил университет, домой.

ولی برخی حروف ربط همچون *ибо*، *так что* و *благо* فقط می‌توانند بعد از جمله پایه قرار گیرند، این‌گونه جملات ساختار منعطفی ندارند.

بر این اساس، نه تنها صورت‌های مختلف واژگانی، بلکه واحدهای خبری (جمله پیرو) نیز می‌توانند نقش قیدجمله متممی را ایفا کنند.

۵. نتیجه‌گیری

با جمع‌بندی نکات مطرح شده می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بسیاری از شکل‌های واژگان و گروه‌های حرف اضافه‌ای، گویا ارتباط «هدایت نحوی حاکمیت ضعیف» یا «همنشینی» را از دست داده و به گونه‌ای به کل جمله مرتبط شده‌اند. بنا بر تحقیقات صورت‌گرفته از عناصر درون جمله‌ای روسی، اعضای فرعی در جملات وجود دارند که کاملاً مستقل بوده و به عنصرهای حاشیه‌ای اختصاص دارند، یعنی نبود آن‌ها جمله را غیردستوری نمی‌سازد و یا تاثیر قابل ملاحظه‌ای در معنای جمله ندارد. قیدجمله از لحاظ معنایی به دو دسته قیدهای جمله فاعلی-مفعولی و قیدهای جمله متمم قیدی تقسیم‌بندی می‌شوند. افزون بر صورت‌های واژگانی، جملات پیرویی که به عنوان جملات تجزیه‌پذیر مشخص شده‌اند به دلیل آنکه وابستگی به جمله‌ی پایه ندارند، می‌توانند نقش قیدجمله را ایفا کنند.

کتاب‌نامه

راسخ مهند، محمد (بهار و تابستان ۱۳۸۲)، «قید جمله» و «قید فعل» در زبان فارسی، زبان‌شناسی، سال هجدهم، شماره اول.
قریب، عبدالعظیم و دیگران، (۱۳۶۸)، دستور زبان فارسی، تهران، انتشارات اشراقی.

- Edward Arnold Methews, P. H. , *Syntax*. Cambridge, Cambridge University Press, 1981.
Акимова Г. Н. *Новое в синтаксисе современного русского языка*. М., 1990.
Астафьев В.П. *Тихая тишина*, -М., 1980.
Белашапкова В. А. *Сложное предложение в современном русском языке: Некоторые вопросы теории*. М., 1967. С. 3.
Белашапкова, В. А. *Современный русский язык: Синтаксис*. М., 1977.
Виноградов, В. В. *Русский язык*. Москва-Ленинград, 1947.
Грамматика-60, Т. II, ч. I.
Грамматика-70.
Грамматика-80, Т. II.
Золотова Г. А. *Коммуникативные аспекты русского синтаксиса*. М., 2003.

- Иваничкова, Е. А. *О структурной факультативности и структурной обязательности в синтаксисе*. М., 1965.
- Кошкаревой Н.Б. *Синтаксис современного русского языка*. М., 2014.
- Рословец Я. И. *О детерминантах как самостоятельных распространителях предложения*. М., 1973.
- Степанова Т.Н. *О разграничении обстоятельства и дополнения в английском предложении*. М., 1963.
- Фадеев А. *Молодая гвардия*. М., 1979.
- Шведова Н. Ю. *Детерминирующий объект и детерминирующее обстоятельство как самостоятельные распространители предложения*. М., 1964.
- Шведова Н. Ю. *Основы построения описательной грамматики современного русского литературного языка*. М., 1960.
- Шведова Н.Ю. *Существуют ли все-таки детерминанты как самостоятельные распространители предложения?* М., 1968.